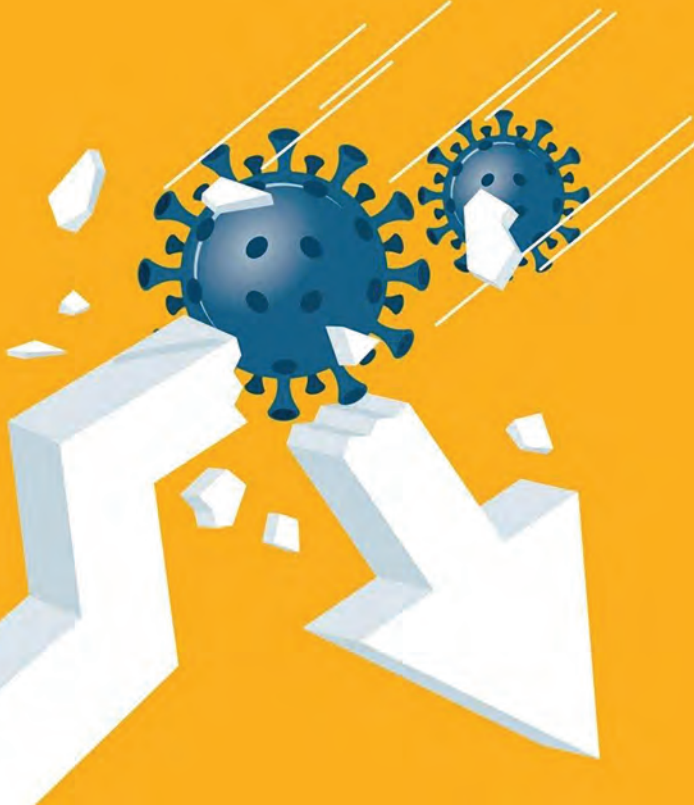


خلاصه مدیریتی

بحران کرونا؛ چشم‌انداز دو تکانه در فرهنگ عمومی جامعه ایران

■ سجاد صفارهندی



تجربه عینی خود مقایسه می‌شد، خدشه‌های جدی بر ایده استثنائنگاری وارد ساخت.

دوم اینکه، بحران کرونا و دستورالعمل‌های لازم‌الاجرای بهداشتی آن به نحوی ضمنی، بحث مهم این سال‌ها را دربارہ مرز میان امر خصوصی و امر عمومی پیش کشید. دستورالعمل‌های ضد کرونایی عملاً وقتی مفید و مؤثر بود که از جانب همگان رعایت می‌شد. در این مورد واضح بود که تلقی لیبرالی از امر خصوصی و واکنش‌های مسیح علی‌نژادی از قبیل «به تو چه؟»، «چهاردیواری اختیاری» و «بدن خودمه، فضولی موقوف!» تا چه اندازه مضر و مخرب است! به این ترتیب، فضایی جدید برای به پرسش کشیدن آن تلقی‌ها گشوده شد و افکار عمومی را نیز کم‌وبیش متأثر ساخت. نمود این فضا را می‌توان در کمپین‌های طنزآمیز «چهارشنبه‌های بدون ماسک!» و «نه به ماسک اجباری!» مشاهده کرد.

برطبق مطالب پیش‌گفته باید گفت، بحران کرونا قادر نیست یک‌بار برای همیشه به فرهنگ عمومی ما شکل داده یا تلقی‌ها و ایده‌هایی را که طی سال‌ها پروبال داده شده‌اند، یک‌باره در خود مستهلک سازد؛ اما این رخداد با همه مهابت و عظمت خود، نقشی بر سنگ فرهنگ حک می‌کند که بعید است به سادگی محو شود!

خانوادگی، صنفی و غیره ظاهر ساخته و در «رزمایش مواسات» ماه مبارک رمضان نیز تجلی روشنی داشت. کرونا و تجربه جهان کرونایی امکان دستیابی به دریافت‌های جدیدی برای جامعه ایران را فراهم کرد. به نظر می‌رسد دست‌کم در حوزه فرهنگ عمومی می‌توان از دو تکانه مهم سخن به میان آورد: نخست اینکه بحران جهانی کرونا ضربه‌ای سهمگین بر ایده استثنائنگاری ملی وارد کرد. مقصود از این ایده، تصویری است که طی سال‌ها و دهه‌ها از خلال فضاسازی‌های رسانه‌ای، تبلیغات سیاسی و حتی لطیفه‌ها و تکه کلام‌های جاری در زندگی روزمره بسط یافته، مبنی بر اینکه ما به نحوی استثنایی و منحصر به فرد در وضعیتی مصیبت‌بار و فلاکت‌زده زندگی می‌کنیم؛ از جمله طرح عبارات «اینجا ایرانه دیگه!» یا «فقط تو ایرانه که این اتفاق می‌فته!» و مواردی مانند آنکه نمودهای روشن این تلقی رایج و در عین حال مصنوعی و ساختگی در فرهنگ عمومی ما بوده‌اند. این تلقی به‌ویژه نیرو و توان خود را از ساخت تقابلی با کشورهای بی‌مشکل و توسعه‌یافته غربی می‌گیرد که همه چیز در جای درستی قرار دارد و هیچ باد و طوفانی نظم و نسق آن‌ها را به هم نمی‌زند. با وجود این، تصاویر عجیب ولی واقعی که از احوال عسرت‌زده برجسته‌ترین جوامع مذکور در ماه‌های اخیر دیدیم، به‌خصوص آنگاه که با احوال و

فراگیری بیماری کووید-۱۹ و مصائب و مشکلات متعاقب آن برای اقتصاد، تولید و تعاملات اجتماعی در ایران نیز مانند اغلب کشورها به آزمونی مهم برای حکومت و جامعه تبدیل شده است. هرچند هنوز به پایان این آزمون نرسیده‌ایم و اعلام نتایج رد و قبولی در آن پیش‌دستانه و عجولانه خواهد بود، اما تا همین نقطه می‌توان از منظر کرونا به بصیرت‌هایی درباره وضع کنونی کشور دست یافت. بخشی از این بصیرت‌ها در امتداد درک و دریافت‌هایی است که از پیش داشته‌ایم. مدت‌هاست می‌دانیم که به‌رغم دستاوردها و موفقیت‌های کشور در طول چهار دهه اخیر، از حیث نظم و منطق اعمال حکمرانی با مشکل مواجهیم و چنین مسئله‌ای خود را در وضعیت‌های بحرانی با بروز ناهماهنگی‌های شدید، تصمیمات متناقض و رفت‌وبرگشت‌های خسارت‌بار نمایان می‌کند و به‌رغم مشکلات و مسائل موجود در حوزه اعتماد و سرمایه اجتماعی، هسته سخت و نیرومندی از مناسبات دگرخواهانه و حمایتگرانه در بطن جامعه ایران وجود دارد که امکان تداوم و تاب‌آوری را در میان فشارهای سنگین اقتصادی و اجتماعی فراهم کرده است. این امر خود را در موج کمک‌های مردمی در حوادثی چون سیل و زلزله و فعالیت‌های داوطلبانه و جهادی و نقش‌آفرینی انبوهی از خیریه‌های محلی،